

## افسردگی و پوکی استخوان

ام لیلا بهارلویی<sup>۱\*</sup>، سکینه قربانی<sup>۲</sup>، شکوفه عظیمی<sup>۳</sup>، مرتضی مشهدی<sup>۳</sup>، مهران کرداریان<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، بیمارستان شهید آیت الله مدرس [i.baharlooei@gmail.com](mailto:i.baharlooei@gmail.com)
۲. سازمان تأمین اجتماعی- بیمارستان دکتر شریعتی
۳. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، بیمارستان شهید آیت الله مدرس

**مقدمه و هدف:** در حال حاضر پوکی استخوان یک مشکل عمده بهداشت عمومی در همه جوامع است و اهمیت تأثیر آن بر نظام مراقبت‌های بهداشتی رو به افزایش است. پوکی استخوان شایعترین بیماری متابولیک استخوانی است که با کاهش توده استخوانی و افزایش خطر شکستگی استخوان همراه است. عوامل خطر متعددی در پوکی استخوان نقش دارند. افسردگی احتمالاً به دلیل ایجاد تغییراتی در سیستم نورواندوکرین و متابولیسم استخوانی می‌تواند به عنوان عامل خطری برای کاهش تراکم استخوان و در نتیجه پوکی استخوان باشد.

**روش کار:** این مقاله با استفاده از جستجوی اینترنتی در سایت‌های معتبر تهیه شده است.

**نتایج:** افسردگی با کاهش استروژن و تستوسترون همراه است. بعلاوه در افراد افسرده سطح هورمون پاراتیروئید و کورتیزول افزایش می‌یابد که این فرایندها منجر به کاهش تراکم استخوان می‌شوند. طبق مطالعات، سلولهای استخوانی دارای گیرنده‌های سروتونین بوده و سروتونین در متابولیسم استخوان نقش دارد، بنابراین مصرف داروهای مهارکننده باز جذب سروتونین در بیماران افسرده منجر به کاهش تراکم استخوان می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهند زنان افسرده به میزان قابل توجهی تراکم استخوانی کمتری نسبت به زنان سالم دارند و افسردگی به طرز چشمگیری باعث افزایش فعالیت سلول‌هایی که عامل تحلیل استخوان‌ها هستند، می‌گردد و ارتباط بین افسردگی و از دست رفتن بافت استخوانی، به ویژه در بین خانم‌های جوان بیشتر است. با توجه به مطالب گفته شده، هرچند Tolea و همکاران (۲۰۰۷) و Cizza و همکاران (۲۰۰۱) در مطالعه خود به ارتباط بین افسردگی و استئوپروز اشاره کرده‌اند و بیان کرده‌اند که افراد مبتلا به افسردگی در معرض خطر بالای استئوپروز قرار دارند، اما برخی مطالعات دیگر نظیر Bistrovic و همکاران (۲۰۱۲) و Whooley و همکاران (۲۰۰۴) گزارش کرده‌اند که ارتباطی بین افسردگی و استئوپروز وجود ندارد. Ozsoy و همکاران (۲۰۰۵) نیز در مطالعه خود تفاوتی بین تراکم استخوانی مهره‌های کمری و گردن استخوان فمور در بیماران افسرده و گروه کنترل نیافتند. همچنین در مطالعه انجام شده توسط ساعی و همکاران (۱۳۹۴) بر روی زنان، تفاوت معناداری بین وضعیت تراکم استخوان با افسردگی یافت نشد.

**بحث و نتیجه گیری:** نتایج مطالعه نشان داد که ابتلا به بیماری افسردگی ممکن است یک ریسک فاکتور برای پوکی استخوان محسوب شود؛ لذا شناسایی سریع و به موقع افسردگی به عنوان عامل خطر برای پوکی استخوان منجر به تشخیص و درمان به موقع خواهد شد.

**کلمات کلیدی:** افسردگی، پوکی استخوان